

ارائه الگوی توانمندسازی زنان با استفاده از مدل سازی ساختاری-تفسیری

◆ زهره رضوانی^۱ ◆ دکتر محسن نیازی^{۲*} ◆ دکتر محمدعثمان حسینبر^۳

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان و ساخت مدل مناسب بر اساس تکنیک مدل سازی ساختاری - تفسیری است. پژوهش حاضر با به کارگیری روش کیفی و کمی به گردآوری اطلاعات از پژوهش‌های متعدد پرداخته و به عوامل تأثیرگذار بر توانمندی زنان مانند فرهنگ جنسیتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، رسانه، ساختار خانواده، مذهب و ویژگیهای شخصیتی دست یافته است. این عوامل به شکل پرسشنامه‌ای خودتعالی تنظیم شده و در اختیار ۱۵ متخصص حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده، فرهنگ جنسیتی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در رأس نمودار عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان جای گرفته است. فرهنگ جنسیتی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و رسانه به منزله متغیرهای کلیدی و مهم بر توانمندسازی زنان و ساختار خانواده، سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با کمی شدت و ضعف در بخش پیونددهنده قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه دو عامل فرهنگ جنسیتی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در رأس متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی زنان قرار گرفته‌اند، در سطح فردی و اجتماعی به ویژه نهادهای مرتبط باید در جهت افزایش توانایی یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی برای ارائه پاسخهای رفتاری صحیح و همچنین افزایش و تقویت پایگاه افراد راه مناسب را اتخاذ کنند.

کلیدواژگان: توانمندسازی زنان، مدل سازی ساختاری - تفسیری، عوامل مؤثر بر توانمندسازی

© تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

© تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۲

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول). E-mail: niazim@kashanu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

پیش نیاز داشتن جامعه‌ای فعال و سالم وجود خانواده‌های سالم است. زنان نقشی بسیار مهم در خانواده دارند. یکی از موضوعات اساسی بهره‌مندی صحیح از تواناییهای نیروی انسانی هر جامعه است. زنان به دلیل وجود موانع گوناگون که از عوامل حقوقی و فرهنگی تأثیر می‌گیرد قادر به ایجاد تغییرات اجتماعی و حتی اقتصادی نیستند و این موضوع تلاش در جهت رهایی زنان از فقر را با مشکل مواجه کرده است (تاراسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۸). در این میان توانمندسازی زنان در جامعه می‌تواند در راستای حل مشکلاتی از این قبیل نقشی بسزا داشته باشد. در افراد به دلیل انگیزه‌ها و دانش قدرتی پنهان وجود دارد و توانمندسازی برای آزادسازی این تواناییها به افراد کمک می‌کند (لیترل^۱، ۲۰۰۷: ۷۸). پس از سال ۱۹۶۰ میلادی کشورهای گوناگون برای کاهش این نابرابریها اقداماتی انجام دادند که می‌توان گفت توانمندسازی زنان^۲ یکی از بزرگ‌ترین ایده‌های جهانی برای از بین بردن شکافهای نابرابری بوده است. هیئت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک به تازگی برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو طرحهایی در راستای ایجاد برابری جنسیتی مطرح کرده است (صفاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۴). فعالان حقوق زنان معتقدند که توانمندسازی زنان باید به رهایی زنان و مردان از نظامهای ارزشی کاذب و ایدئولوژیهای سرکوبگر منجر شود (جهان‌بین و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۸).

با توجه به نتایج پژوهشهای انجام شده در ایران و سایر کشورهای جهان، اجرای برنامه توانمندسازی همواره نتایجی مثبت به همراه داشته است. با اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان سطح درآمد به سطوح طبقاتی بالاتر ارتقا می‌یابد و این امر سبب توانمندی روانی زنان و رسیدن به قدرت تصمیم‌گیری، کنترل بر زندگی، حل مسئله و افزایش سازگاری فرد می‌شود (اکبری ترکمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰). مسائل و امور مربوط به جامعه را باید با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون بررسی کرد و توانمندسازی زنان نیز از این امر مستثنی نیست. از جمله این عوامل شرایط اقتصادی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی اند که نقشی مهم در توانمندسازی زنان دارند. نکته مهم این است که توانمندسازی روان‌شناختی زنان تحت تأثیر عوامل گوناگون دیگر مثل شرایط اقتصادی و اجتماعی است و این به این معناست که همه ابعاد توانمندسازی به یکدیگر وابسته‌اند (جلیلیان و سعدی، ۱۳۹۴: ۷۴۶).

برای توانمندسازی مدل‌های مختلف ارائه شده است که از میان آنها می‌توان به مدل توانمندسازی مالاک^۳ و همکاران (۱۹۹۶)، مک‌لاگان و نل^۴ (۱۹۹۷)، مدل توانمندسازی اسپریترز^۵ (۱۹۹۵)، مدل توانمندسازی زنان لانگه^۶ (۱۳۷۶)، عباس‌زاده و بوداقي (۱۳۹۹)، کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) و خانی

1. Littrell
2. Women's empowerment
3. Mallak
4. McLagan & Nel
5. Sprietzner
6. Langeh

و همکاران (۱۳۹۱)، در داخل و خارج از کشور اشاره کرد. برای ایجاد توانمندسازی زنان و تدوین یک مدل مناسب برای آن باید شرایط و عواملی را از میان برد که مانع از فعالیت زنان می شوند و راههای افزایش توانایی زنان را یافت.

بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که به ویژه در کشورهای جهان سوم تبعیضهای جنسیتی بسیار شدید است (بانک جهانی، ۲۰۱۲: ۶۶). وضعیت زنان به گزارش جهانی توسعه و نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۱۲ به این گونه است که طبق آن امتیاز بالاتر نشان از افزایش نابرابری جنسیتی است. رتبه ایران ۱۰۷ در برابر ۱۴۸ کشور، درصد نمایندگان زن ۳/۱، درصد زنان تحصیل کرده در متوسطه به بالا ۶۲/۱، مرگ و میر زنان در زایمان ۲۱ در هر صد هزار تولد و درصد مشارکت زنان در بازار کار ۱۶/۴ (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۳۷۴: ۵۱) است. همچنین مطابق شاخص شکاف جنسیتی ایران رتبه ۱۲۷ را دارد (مجمع جهانی توسعه، ۲۰۱۲: ۳۱).

به همین دلیل اهمیت مطالعه درباره عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان نیز از اینجا ناشی می شود که بدون شناخت عوامل مؤثر ایجاد توانایی در زنان امکان پذیر نخواهد بود. لذا شناخت این عوامل در ایجاد توانمندسازی زنان، از پیش شرطهای مهم برنامه ریزی برای ارتقای شرایط زنان جامعه است.

موضوع توانمندسازی زنان از جمله مباحثی است که در سالهای اخیر مورد توجه محافل علمی و پژوهشی قرار گرفته است. روش ساختاری تفسیری برای سطح بندی و تفسیر روابط مفهومی میان عوامل مؤثر بر موضوع مورد بررسی به کار برده می شود. این روش فرایندی است که در آن مجموعه ای از عناصر و متغیرهای مختلف و مرتبط به هم در یک مدل نظام مند جامع ساختاردهی می شوند و از این طریق می توان روابط پیچیده میان متغیرها را جهت داد. دلیل انتخاب این روش این است که طبق یکی از اصلی ترین منطقهای این روش شناسایی متغیر اثرگذار بر سایر متغیرها مهم است، از این رو برای رسیدن به یک اولویت بندی صحیح در جهت دستیابی به متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی زنان از این روش استفاده شده است. اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که با این روش می توان تأثیر یک متغیر بر سایر متغیرها را تحلیل کرد و ترتیب و جهت روابط پیچیده میان متغیرها را مورد ارزیابی قرار داد. در این میان اولویت بندی و تعیین سطح تأثیر هر متغیر بر توانمندسازی عاملی بسیار مهم است که با به کارگیری روش ساختاری-تفسیری تلاش بر انجام دادن آن داریم. شایان ذکر است که شاخصهای اصلی و متغیرهای استخراج شده بر اساس بررسی مقالات انجام شده در این حوزه و تکرار شاخصهای اصلی در آنها، همچنین استفاده از نظریات خبرگان و متخصصان حوزه جامعه شناسی و مسائل زنان بوده است.

بر این اساس در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت مسئله، پژوهش با نگاهی جامعه شناختی علل مؤثر بر توانمندسازی زنان بررسی خواهد شد. همچنین هدف از انجام دادن پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی و تعیین متغیرهای اثرگذار تر بر توانمندسازی زنان با استفاده از مدل ساختاری-تفسیری است.

■ مبانی نظری و مفهومی

یکی از نظریات توانمندسازی زنان نظریه توانمندسازی روان‌شناختی است که برای نخستین بار اسپریتزر (۱۹۹۵)، آن را مطرح کرده است. در این نظریه توانمندسازی بیشتر از جهات مفاهیم درونی ارزیابی می‌شود، زیرا این امر کاملاً انگیزشی و درونی است. اسپریتزر، داشتن شایستگی لازم، اختیار، معنادار بودن و مؤثر بودن را ابعاد توانمندسازی می‌داند (توماس^۱ و همکاران، ۱۹۹۰: ۶۶۷).

نایلا کبیر^۲ (۱۹۹۹)، ابتدا تعریفی از توانمندسازی ارائه داده که براساس آن توانمندسازی افزایش قدرت به اعضای جامعه است که پیش از این توانایی و قدرت را نداشته‌اند تا بتوانند به بهترین شکل در شرایط لازم تصمیم‌گیری کنند (کبیر، ۲۰۰۰؛ ترجمه صادقی، ۱۳۸۹: ۲). کبیر سه بعد اصلی در توانمندسازی را بیان کرده است: منابع، عاملیت و دستاورد. منابع: یک عامل مهم برای آسان کردن مسیر رسیدن به توانمندسازی است زیرا به افراد قدرت و توانایی می‌دهد، حال این منابع می‌تواند محیطی یا انسانی باشد، مانند تحصیلات، درآمد و اشتغال. عاملیت: افراد براساس این عامل می‌توانند اهداف مورد نظر خود را انتخاب کنند و در جهت رسیدن به این اهداف گام بردارند. در واقع، با توجه به این تعریف نقش زنان را نباید در امور مهم زندگی و تصمیم‌گیری برای آن نادیده گرفت، زیرا این گروه خود یک مهره اصلی انجام دادن این فعالیتها هستند. دستاوردها: افراد پس از کسب توانمندی براساس تصمیمات، فعالیتها و انتخابهایی که داشته‌اند یک‌سری نتایج مانند، حضور فعال در زندگی و جامعه، فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی به دست می‌آورند، که دستاورد نامیده می‌شود (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۵).

لانگه در نظریه خود توانمندسازی را یکی از حقوق مهم و ابتدایی برای انسانها می‌داند، زیرا انسانها حق دارند از این حق برخوردار باشند که تواناییهای آنها را نشان می‌دهد. سارا لانگه می‌گوید: منابعی که در جامعه وجود دارد بیشتر در اختیار مردان و بسیار ناعادلانه تقسیم شده است، زیرا زنان نمی‌توانند به آسانی به این منابع دست یابند و راه‌حل برای از بین بردن این نابرابری افزایش روحیه اعتماد به نفس و باور به خود در میان زنان است تا زنان نیز مانند مردان توانایی پذیرفتن مسئولیتهای مهم اجتماعی و سیاسی را داشته باشند. برای دستیابی به این شرایط چند راهکار وجود دارد که عبارت‌اند از: ایجاد دوره‌های مهارت‌آموزی و آموزشی برای حضور در سازمانهای رسمی و غیر رسمی. در چارچوب این نظریه افزایش اندیشه‌های جدید برای استفاده از روشهای نوین برای بالابردن تولید مدنظر است. نظریه توانمندسازی زنان در چارچوب این راهکارها در پی پیوند سه نظریه برابری، از میان بردن فقر و ایجاد رفاه است (لانگه، ۲۹: ۱۳۷۶).

مایوکس^۳ در نظریه خود درباره توانمندسازی اقتصادی سه پارادایم مربوط را تفکیک می‌کند که عبارت‌اند از: در پارادایم اول، افرادی در جامعه که از سطح نازلی از شرایط اقتصادی برخوردارند با استفاده

1. Thomas
2. Kabeer
3. Mayoux

از ابزار اعتبارات خرد می‌توانند به شرایط بهتر راه یابند. پارادایم دوم خودکفایی پایدار مالی، به زنانی که روحیه و توانایی کارآفرینی دارند، تسهیلات لازم اعطا می‌شود تا دیگر عدم توانایی مالی مانع فعالیت آنان نشود و بتوانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. پارادایم سوم توانمندسازی جنسیتی، طبق این پارادایم سعی می‌شود به زنان درباره ارزشهای حاکم مربوط به نابرابری جنسیتی آگاهی لازم داده شود تا نسبت به حقوق برابر خود در برنامه‌های مربوط به توسعه نسبت به مردان آگاه شوند و برای از میان برداشتن این اندیشه‌ها اقدام کنند (مایوکس، ۲۰۰۵: ۵-۴).

آمارتیا سن^۱ (۱۹۹۵)، اعتقاد دارد که اگر جامعه‌ای می‌خواهد به توسعه برسد ابتدا باید به زنان توجه کند. آمارتیا سن در این زمینه اعتقاد دارد که باید سیاستها و قوانین عمومی همراستا با از بین بردن تبعیضهای جنسیتی و شکل‌گیری برابری در این حوزه باشد. به عنوان مثال، برای زنان شرایط تحصیل، اشتغال و استفاده از امکانات و خدمات بهداشتی و پزشکی و مسئولیتهای فردی خانوار (از طریق تصمیم‌سازی بالقوه والدین، به‌ویژه مادران) وجود داشته باشد (آمارتیا سن، ۱۹۹۵: ۳۵-۴۰). در مجموع نظریه توانمندسازی در پی افزایش قدرت در زنان در زندگی و جامعه خود و ایجاد احساس عزت‌نفس و توانایی حق تصمیم‌گیری و برابری جایگاه زنان با مردان در سطوح گوناگون جامعه است.

بورديو به زمینه و ساختمان ذهنی اشاره دارد. سرمایه اجتماعی مجموع منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد. یک‌سری عوامل فردی و گروهی وجود دارند که می‌توانند بر توانمندسازی در ابعاد گوناگون مؤثر واقع شوند. دسته اول ویژگیهای شخصیتی افراد و دسته دوم زمینه‌ها و ترکیبهای میان‌گروهی افرادند که می‌توانند منجر به افزایش توانمندسازی شوند. در مجموع پیوند میان ویژگیهای شخصیتی، موقعیت کنترل، اثرگذاری سیاسی و جهت‌گیری فردگرایانه-جمع‌گرایانه با مشارکت در کنش جمعی، باید بر حسب جایگاه اجتماعی افراد مورد بررسی قرار گیرند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱). در این بخش به تعریف متغیر توانمندسازی زنان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود.

● **توانمندسازی(زنان):** هدف نهایی توانمندسازی ایجاد توسعه در میان گروههای آسیب‌پذیر جامعه است که در نهایت بتوانند مسیر شروع، کنترل و سرپرستی پیشرفت خویش را طی کنند تا علاوه بر رشد شخصی در طرحهای کلان جامعه نیز مشارکت داشته باشند (تاراسی و همکاران، ۲۳۹: ۱۳۹۷).

توانمندسازی زنان به این معناست که در زنان توانایی سازماندهی ایجاد شود به شیوه‌ای که قدرت اعتماد به نفسشان را بالا ببرد تا از حقوق طبیعی خود در جامعه آگاه شوند و بتوانند بر منابع

1. Amartya Sen

کنترل داشته باشند و جایگاه خود را از جایگاه فرودست به بالادست ارتقا دهند. توانمندسازی در زنان فرایندی پویاست تا به کمک آن در جهت تغییر ساختارها، ارزشها و عقایدی گام بردارند که سبب تفاوت جایگاه آنان با مردان می‌شود (مالهوترا^۱، ۲۰۰۲: ۵).

● **ساختار خانواده و سبک فرزندپروری خانواده:** ساختار خانواده عبارت است از همه روابط میان اعضای خانواده به این دلیل که قدرت یک عامل مهم است و در روابط متقابل میان افراد خانواده جاری و بر نحوه تصمیم‌گیریهای مربوط و انجام دادن کارها در نهاد خانواده تأثیرگذار است. روابط درون خانواده، زمینه‌های ارزشی خانواده، تعداد افراد درون خانواده و ... در مجموع ساختار خانواده را تشکیل می‌دهند. دایانا بامریند^۲ (۱۹۹۱) اصطلاح فرزندپروری را تعیین انواع تلاشهای والدین برای کنترل و جامعه‌پذیری کودکانشان تعریف کرده است (فرهمند و رضوانی، ۱۳۹۸: ۱۴۳).

● **آگاهی اجتماعی:**^۴ این مفهوم را امیل دورکیم (۱۹۱۷)، اشاعه داده است. آگاهی اجتماعی فهم بین‌الذهانی و مشترک ارزشهای اجتماعی و هنجارهای خاص جوامع در میان اعضای جامعه است. آگاهی اجتماعی را افراد از راههای گوناگون مانند رسانه‌های جمعی، آموزش و جامعه‌پذیری دریافت می‌کنند و در خانواده و گروه‌ها به وجود می‌آید. ویژگیهای آگاهی جمعی در هر جامعه با توجه به شرایط خاص آن (شرایط تاریخی، جغرافیایی و ...) و متناسب با همان جامعه شکل می‌گیرد (آستین فشان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

● **شبکه‌های اجتماعی:**^۵ شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاههایی اند که امکان آن را فراهم می‌آورند تا کاربران بتوانند علاقه‌مندیها، افکار و فعالیتهای خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیتهای آنها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویسهای مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون^۶، ۲۰۰۷: ۲۱۲).

● **کلیشه‌های جنسیتی:**^۷ کلیشه‌های جنسیتی، مجموعه‌ای از باورهای ذهنی اند که مبنای

1. Malhotra
2. Family structure and parenting style
3. Baumrind
4. Social conscience
5. Social networks
6. Boyd & Ellison
7. Gender stereotypes

نگرش فرهنگی و اجتماعی به مفهوم جنسیت قرار می گیرند. به عبارت دیگر وجود این کلیشه ها سبب می شوند که ویژگی هایی خاص به طور جداگانه به زنان/مردان تعلق بگیرند به گونه ای که چنین ویژگی هایی به سبب خاص بودن، تنها به یک جنس تعلق دارند. به این ترتیب مبنای قضاوت در مورد زن بودگی مرد بودگی عمل فرد نیست، بلکه جنسیت وی تعیین می کند که او دارای چه ویژگی هایی مثبت یا منفی غیر قابل تغییر یا تعدیل - صرف نظر از درست بودن قضاوت ارزشی - است. این کلیشه ها بیش از هر چیز در سطح زبان خود را نشان می دهند (زمانی مقدم و افشانی، ۱۳۹۷: ۹۳).

محتوای کلیشه های جنسیتی دارای چهار مؤلفه مستقل از یکدیگر است که اغلب وسیله ای جهت جدا کردن زنان و مردان در جامعه و شامل رفتارها، صفات، ویژگی های فیزیکی و مشاغل اند (زارعیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۳).

● **فرهنگ مردسالاری:** مردسالاری به نظام و ساختاری اطلاق می شود که از راه نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، زنان را زیر سلطه دارد. میزان قدرت مردان نسبت به زنان در جوامع گوناگون، متفاوت است. در همه جوامع مردسالار، مردان سهمی بیشتر از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام دارند. در جوامع مردسالار، زنان و فرزندان نقشی در تصمیم های مهم و انتخاب همسر ندارند و پدران و بزرگان خانواده ها تصمیم گیرنده اند (ابوت و والاس، ۱۳۸۵: ۳۲).

طبق الگوی جامعه پذیری جنسیتی، که در آن مردانگی ارزش محسوب می شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده اند و در حوزه های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند. همه نظریه های ستمگری جنسی موقعیت زنان را پیامد رابطه قدرت مستقیم میان زنان و مردان می انگارند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۴۷).

● **پایگاه اقتصادی - اجتماعی:** پایگاه اقتصادی یک فرد به میزان داراییها و ثروت او مربوط است و پایگاه اجتماعی فرد به میزان وسیعی در قید تصویری است که دیگران در جامعه از وی دارند. ارزیابی افراد نیز به نوبه خود به درجه برخورداری یا محرومیت او از معیارهای پایگاه اجتماعی او بستگی دارد (حیدرنژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۸). پایگاه اجتماعی نتیجه ارزشی است که جامعه به یک نقش اجتماعی می دهد. به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی نتیجه ارزش گذاری عمومی جامعه نسبت به شخص ایفاکننده نقش است (ربانی و انصاری). به عقیده وبر پایگاه اجتماعی فرد همراه با طبقه یا درآمد و قدرت سیاسی سه بعد اصلی قشر بندی اجتماعی را تشکیل می دهند. عوامل

1. Patriarchy
2. Socio-economic status

متعددی مانند نیاکان، وضع تمکن، مفید بودن (به ویژه از لحاظ شغلی)، میزان و نوع تحصیلات و خصوصیات بیولوژیکی می‌توانند با چگونگی پایگاه اجتماعی افراد مرتبط باشند (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴).

● **مشارکت اجتماعی^۱:** مشارکت اجتماعی انواع کنشهای فردی و گروهی را دربر دارد، این مشارکت دخالت در تعیین سرنوشت خود فرد و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت اجتماعی سه سطح عینی و ذهنی و روحیه مشارکتی دارد. مشارکت اجتماعی فرایندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به‌عنوان عضو جامعه، در صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی که به وی محول می‌شود و در قالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشارکت اجتماعی بروز می‌یابد (احمدی و دستور، ۱۴۰۰: ۴۱).

● **سواد رسانه‌ای^۲:** سواد رسانه‌ای به توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی و برقراری ارتباط با پیامهای رسانه‌ای در اشکال مختلف و توانایی معناسازی اطلاق می‌شود و قابلیت است که به فرد امکان می‌دهد تا با رسانه‌ها و ارائه‌دهندگان اطلاعات به‌طور مؤثر تعامل داشته باشد و برای یادگیری مستمر و مادام‌العمر از آن رسانه‌ها بهره بگیرد و در مواقع لازم پیامها و کارکردهای آنها را نقد کند (هالاک^۳، ۲۰۱۶: ۶۷).

● **سرمایه فرهنگی^۴:** سرمایه هر آن چیزی است که می‌تواند در تعلق و تملک فرد قرار گیرد که در گذشته، اساساً صورتهای مادی و کاملاً عینی داشت. سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو به تمرکز و انباشت انواع کالاهای فرهنگی، توانایی در اختیار گرفتن این کالاهای و همچنین استعداد و ظرفیت افراد در شناخت و کاربرد کالاهای فرهنگی اشاره دارد. به عبارت دیگر از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عبارت است از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب. سرمایه فرهنگی شامل سرمایه تجسم یافته، عینی شده و نهادینه شده است. سرمایه فرهنگی با متغیرهایی چون آگاهی، دانش، تحصیلات، اعتماد و همکاری اجتماعی ارتباط دارد (منظمی تبار، ۱۴۰۰: ۳۸۳).

جدول ۱. عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان

معیارها	پژوهشگران / سال
مشارکت اجتماعی	کرمانی و همکاران (۱۳۹۳) - ابوالفتح‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) - تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) - صیامی و ستاری‌وند (۱۴۰۰)

1. Social participation
2. Media literacy
3. Hallaq
4. Cultural capital

جدول ۱. (ادامه)

معیارها	پژوهشگران / سال
آگاهی اجتماعی	خانی و همکاران (۱۳۹۱) - کرمانی و همکاران (۱۳۹۳) - کیانی قلعه سرد و ارسلان بد (۱۳۹۳)
ساختار خانواده	قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) - زمانی مقدم و همکاران (۱۴۰۰) - باقری و حسینی (۱۴۰۱) جهان بین و همکاران (۱۳۹۹)
متغیرهای زمینه‌ای	تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) - جهان بین و همکاران (۱۳۹۹) - کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) جمشیدی و مهدی زاده (۱۳۹۸)
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	یاسمی و همکاران (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان شاغل سرپرست خانوار در حوزه جغرافیایی استان ایلام با رویکرد منطقه‌ای کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) - جمشیدی و مهدی زاده (۱۳۹۸) - جهان بین و همکاران (۱۳۹۹)
ویژگیهای شخصیتی	ابوالفتح زاده و همکاران (۱۳۹۵) - تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) - جمشیدی و مهدی زاده (۱۳۹۸) کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) - عربخانی و همکاران (۱۳۹۸)
رسانه	خانی و همکاران (۱۳۹۱) - حسن پور و همکاران (۱۴۰۰) - ظفری نسب و همکاران (۱۴۰۱)
فرهنگ جنسیتی	جهان بین و همکاران (۱۳۹۹) - تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) - باقری و حسینی (۱۴۰۱) ابوالفتح زاده و همکاران (۱۳۹۵)
سرمایه فرهنگی	قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) - ظفری نسب و همکاران (۱۴۰۱) - عباس زاده و بوداکی (۱۳۹۹)

روش شناسی

در این پژوهش از روش مدل سازی ساختاری-تفسیری استفاده شده است. مدل سازی ساختاری-تفسیری^۱ روشی اکتشافی برای شناسایی روابط شاخصها و سطح بندی آنهاست. با این روش امکان شناسایی الگوی روابط علی و پیچیده میان عوامل گوناگون و سطح بندی آنها فراهم می شود. ایده نخستین این روش را وارفیلد به سال ۱۹۷۴ مطرح کرده و اندرو سیج به سال ۱۹۷۷ توسعه داده است. بیشتر پژوهشهای کنونی بر رویکرد سیج استوارند. می توان کاربرد مهم این روش را پس از شناخت عوامل اصلی موضوع طراحی الگوی اولیه مورد مطالعه با روشهای کیفی بیان کرد (اگروال^۲ و همکاران ۲۰۰۷). برای گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه تنها یک ماتریس استاندارد است. حجم نمونه براساس روشهای انتخاب خبرگان تعیین شده است. جامعه این روش را خبرگان این حوزه تشکیل داده اند و با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند.

1. Interpretive Structural Modeling
2. Agarwal

برای مدل سازی ساختاری-تفسیری هفت گام اصلی برداشته می شود:

♦ **گام اول:** تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری است که پس از شناسایی شاخصهای زیربنایی

پدیده مورد مطالعه یک ماتریس مربع $n \times n$ از شاخصهای موجود طراحی می شود. این ماتریس در واقع همان پرسشنامه ISM است. نمادهایی که برای این کار استفاده می شوند عبارت اند از:

V اگر متغیر i در ایجاد متغیر j تأثیر داشته باشد.

A اگر متغیر j در ایجاد متغیر i تأثیر داشته باشد.

X اگر متغیر i در ایجاد متغیر j تأثیر داشته باشد و به عکس.

O اگر متغیر i در ایجاد متغیر j تأثیر نداشته باشد و به عکس.

♦ **گام دوم:** ماتریس دریافتی: ماتریس دریافتی^۱ از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می آید. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خودتعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر استفاده می شود. ماتریس به دست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه های قطر اصلی برابر یک قرار می گیرد (حبیبی و آفریدی، ۱۴۰۱: ۱۲۴)

♦ **گام سوم:** پس از دستیابی به ماتریس دسترس پذیری اولیه، باید حالت ترایی می

عوامل نیز بررسی شود. اگر i منجر به j و j منجر به k شد، آنگاه i باید منجر به k شود (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷) هوانگ و همکاران از قوانین ریاضی برای ایجاد سازگاری استفاده کرده اند. به این صورت که ماتریس دستیابی را به توان $(1+K)$ می رسانند و $K \geq 1$ است. البته، عملیات به توان رساندن ماتریس r باید طب قاعده بولین $(1+1=1)$ باشد. $(1=1 \times 1)$

♦ **گام چهارم:** تعیین روابط و سطح بندی ابعاد و شاخصهاست که برای تعیین روابط و

سطح بندی معیارها در مدل ساختاری - تفسیری ISM باید مجموعه خروجیها و مجموعه ورودیها برای هر معیار از ماتریس دریافتی استخراج شود. مجموعه دستیابی (اثرگذاری یا خروجیها) شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می پذیرند. مجموعه پیش نیاز (اثرپذیری یا ورودیها) شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می گذارند. پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب می شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجیها) باشد، سطح اول

1. Reachability matrix

خواهد بود. بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را در مدل خواهند داشت. پس از شناسایی شاخصهای سطح اول، این عناصر حذف می‌شود و فرایند محاسبه مجموعه دستیابی و پیش نیاز ادامه پیدا می‌کند. این فرایند تا حذف همه شاخصها ادامه پیدا می‌کند.

♦ **گام پنجم:** ماتریس دسترسی نهایی است که باید به سطوح مختلف دسته بندی شود. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی به ازای هر کدام از آنها سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می‌شود. در نخستین جدول شاخص یا متغیرهایی که اشتراک مجموعه خروجی و ورودی آنها یکی است، در فرایند سلسله مراتب به عنوان مجموعه مشترک محسوب می‌شوند، به طوری که این متغیرها در ایجاد هیچ متغیر دیگری مؤثر نیستند. آن متغیرها پس از شناسایی بالاترین سطح از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شوند. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها ادامه می‌یابند.

♦ **گام ششم:** ابتدا بر اساس سطح، معیارها را طبق اولویت به دست آمده از بالا به پایین مرتب می‌کنیم. با استفاده از ماتریس حاصل شده از ماتریس دریافتی مرتب شده بر اساس سطوح، مدل ساختاری با گره‌ها و خطوط رسم می‌شود. اگر رابطه‌ای از i به j وجود دارد، با پیکانی از i به j مشخص می‌شود.

♦ **گام هفتم:** (نمودار MICMAC): به منظور بخش بندی معیارها، در ماتریس دسترسی نهایی باید برای هر یک از عناصر قدرت محرکه ۱ و وابستگی ۲ محاسبه شود. قدرت محرکه یک مؤلفه تعداد مؤلفه‌هایی است که متأثر از معیار مربوط اند، از جمله خود آن مؤلفه قدرت وابستگی نیز تعداد مؤلفه‌هایی اند که بر مؤلفه مربوط تأثیر می‌گذارند و به دستیابی به آن منجر می‌شوند. در این جدول مؤلفه‌ها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی و مستقل (مؤلفه محرک) تقسیم می‌شوند (حبیبی و آفریدی، ۱۴۰۱: ۱۴۰).

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۹ عامل مؤثر در توانمندسازی زنان شناسایی و مشخص، سپس در قالب پرسشنامه گردآوری شده‌اند. این پرسشنامه‌ها در دسترس پانزده خبره جامعه‌شناسی قرار گرفتند. خبرگان با توجه به ارتباط عوامل با یکدیگر و در نهایت تأثیر آنان بر توانمندسازی زنان به نشانه گذاری هر یک از سلولهای ماتریس با علائم x, o, v, a پرداختند. پس از آن، پژوهشگر با داده‌های به دست آمده ماتریس خودتعاملی تشکیل داد که در ادامه (جدول ۲) یکی از جداول را مشاهده خواهید کرد.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

معیارهای j	معیارهای i	مشارکت اجتماعی	آگاهی اجتماعی	ساختار خانواده	متغیرهای زمینه‌ای	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	ویژگیهای شخصیتی	رسانه	فرهنگ جنسیتی	سرمایه فرهنگی
		X	A	A	A	X	A	X	X	X
مشارکت اجتماعی	آگاهی اجتماعی									
ساختار خانواده	متغیرهای زمینه‌ای									
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	ویژگیهای شخصیتی									
رسانه	فرهنگ جنسیتی									
سرمایه فرهنگی										

جدول ۳. ماتریس دستیابی اولیه

مدل	آگاهی اجتماعی	ساختار خانواده	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	ویژگی شخصیتی	مذهب	مشارکت اجتماعی	رسانه	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	فرهنگ جنسیتی	قدرت نفوذ
آگاهی اجتماعی	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۸
ساختار خانواده	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۷
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
ویژگی شخصیتی	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۴
مذهب	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۴
مشارکت اجتماعی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۸
رسانه	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۷
سرمایه فرهنگی	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۸
سرمایه اجتماعی	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۸
فرهنگ جنسیتی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۹
قدرت محرکه	۳	۹	۸	۹	۹	۴	۵	۱۰	۱۰	۵	۵

قدرت محرکه نشان از قدرت تأثیرگذاری دارد. در جدول شماره ۳ فرهنگ جنسیتی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با قدرت محرکه (۹) بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی داشت و پس از آن آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با قدرت محرکه (۸) در رده بعدی قرار می گیرد. در مرتبه بعد رسانه و ساختار خانواده با قدرت محرکه (۷) جای دارند و کمترین قدرت محرکه به مذهب و ویژگیهای شخصیتی با قدرت محرکه (۴) تعلق دارد.

پس از این مرحله، می توان با ضرب ماتریس در خودش، ماتریس را به حالت پایداری رساند، اما چون پرسشنامه بسیار دقیق طراحی شده بود، با توجه به نظر استادان راهنما در این مرحله از پایدار کردن چشمپوشی شد.

پس از آن با استفاده از ماتریس مذکور، سطح بندی عوامل انجام گرفت. چگونگی سطح بندی عوامل در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴. ماتریس اولین تکرار در تعیین سطوح عوامل مؤثر بر توانمندسازی

عوامل	مجموعه دستیابی نهایی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۱	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۱	۱۰-۶-۱	
۲	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۵-۳-۲	
۳	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	
۴	۹-۸-۴-۳	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۴-۳	۱
۵	۹-۸-۵-۲	۱۰-۹-۸-۶-۵-۳-۲-۱	۹-۸-۵-۲	۱
۶	۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۳-۱	۶-۳-۱	
۷	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	
۸	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱
۹	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱
۱۰	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود عوامل ۴ (ویژگی شخصیتی)، ۵ (مذهب)، ۸ (سرمایه فرهنگی) و ۹ (سرمایه اجتماعی) به عنوان عوامل تأثیرپذیر، سطح (۱) گرفتند و از جدول حذف شدند.

جدول شماره ۵ با پنج عامل دیگر ادامه می یابد. در ادامه شاهد سطح بندی سطح دوم با ۵ عامل باقی مانده ایم.

جدول ۵. ماتریس دومین تکرار در تعیین سطوح عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

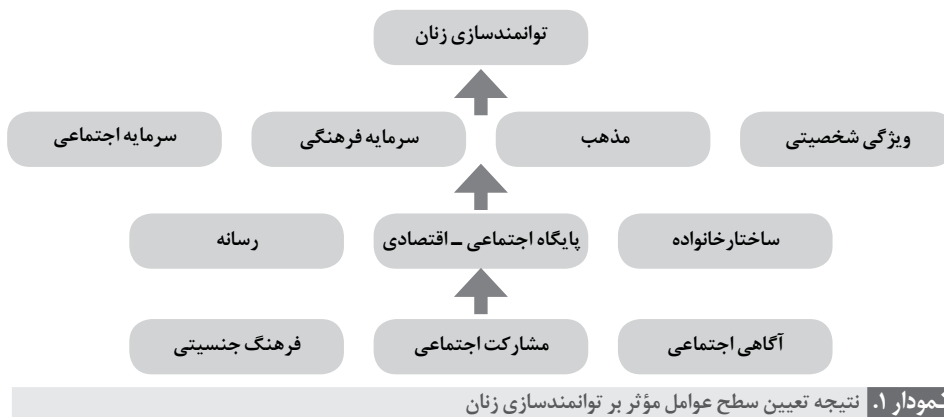
عوامل	مجموعه دستیابی نهایی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۲	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۵-۳-۲	۲
۳	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	۲
۶	۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۳-۱	۶-۳-۱	
۷	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	۲
۱۰	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	

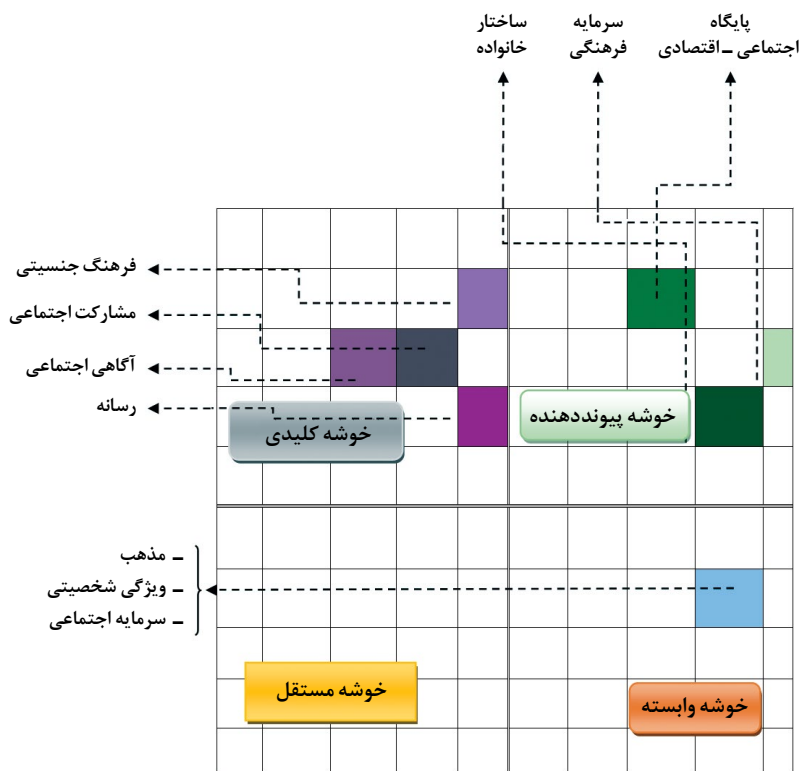
با توجه به جدول شماره ۵، عوامل ۲ (ساختار خانواده)، ۳ (پایگاه اجتماعی و اقتصادی) و ۷ (رسانه) با قرار گرفتن در سطح ۲ به عنوان عوامل تأثیرگذار بر سطح ۱ شناسایی شدند که در جدول شماره ۴ آمده بودند.

جدول ۶. ماتریس سومین تکرار در تعیین سطوح عوامل مؤثر بر توانمندسازی

۱	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۱	۱۰-۶-۱
۶	۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۳-۱	۶-۳-۱
۱۰	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱

بر اساس جدول شماره ۶، عوامل ۱ (آگاهی اجتماعی)، ۶ (مشارکت اجتماعی) و ۱۰ (فرهنگ جنسیتی) به عنوان تأثیرگذارترین عوامل، شناخته شدند. این عوامل بر ۷ عامل دیگر نیز تأثیر گذارند. در ادامه نموداری از نتیجه تعیین سطح ترسیم شده است.





نمودار ۲. خوشه بندی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان با استفاده از روش MICMAC

همانگونه که نمودار شماره ۲ نشان می دهد ده عامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در سطر و ستون آن قرار گرفتند. با تقسیم اعداد سطر و ستون بر ۲ میانه این اعداد برابر با ۶ است. در این صورت نمودار به ۴ بخش تقسیم شده که شامل متغیرهای کلیدی، پیونددهنده، وابسته و متغیر است. بر اساس مندرجات نمودار شماره ۲، فرهنگ جنسیتی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و رسانه به عنوان متغیرهای کلیدی و مهم بر توانمندسازی زنان و ساختار خانواده، سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با کمی شدت و ضعف در بخش پیونددهنده قرار می گیرند.

نتیجه گیری

مسئله اساسی این است که هیچ کدام از متغیرها بی تأثیر بر پدیده مورد نظر (توانمندی بانوان) نیستند، اما آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی بوده پیوند میان این متغیرها و تأثیر آنها بر هم بوده است.

با توجه به مطالبی که در قسمتهای پیشین مطرح شد، پس از بررسی دقیق پژوهشهای انجام گرفته و استفاده از نظر خبرگان پیرامون توانمندسازی ۹ عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری توانمندسازی زنان شناخته شدند. آنگاه به منظور تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی زنان از مدل ساختاری - تفسیری (ISM) استفاده شد. نتایج حاصل از این مدل بر نقش مؤثر مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و فرهنگ جنسیتی به‌عنوان متغیرهای کلیدی مؤثر بر توانمندی تأکید دارد.

نایلا کبیر در نظریه خود در زمینه توانمندسازی زنان قدرتمند شدن زنان را این گونه تعریف می‌کند: «گسترش توانایی زنان برای اتخاذ تصمیمهای کلان و راهبردی (استراتژیک) زندگی در زمینه‌ای که پیشتر این توانایی از آنها دریغ شده بود». وی این توانایی را از نظر تغییراتی سنجیده است که در سه بعد منابع، عاملیت و دستاوردها اتفاق می‌افتند. همان طور که بیان شد، وی قدرتمند شدن را در سه سطح از هم تفکیک کرده است: سطوح عمیق تر (مناسبات ساختاری: طبقه، هزینه، جنسیت)، سطوح میانی (قواعد و منابع مادی) و سطوح بی واسطه (منابع فردی، عاملیت و دستاوردها). سپس بازی قدرت در هر سطح را تصویر کرده است. از نظر او قدرتمند شدن در اولین قدم در سطوح فردی پیش می‌آید (سطح بی واسطه). قدرتمند شدن می‌تواند در سطوح میانی در قواعد و مناسباتی پیش بیاید که در عرصه‌های شخصی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی رایج است یا در ساختارهای عمیق تر و پنهانی که توزیع منابع و قدرت را در جامعه شکل می‌دهند و در طول زمان آن را بازتولید می‌کنند. البته از نظر وی برای اینکه هر یک از این تغییرات به فرایندهای معنادار و پایدار قدرتمندشدن تبدیل شوند، باید در نهایت هم سطوح فردی و هم ساختاری را دربرگیرند. در این راستا می‌توان به اهمیت دو عامل آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی پی برد که از قدرتمندی در سطوح فردی و اجتماعی نشأت می‌گیرند. نکته مهم دیگر تأکید سارا لانگه و نظرات وی درباره پنج مرحله توانمندی است که مرحله ۳ و ۴ آن آگاهی و مشارکت است که در این پژوهش نیز اهمیت این متغیرها روشن شده است.

همان طور که بیان شد با توجه بررسیهای انجام شده متغیرهای نام برده هر کدام تأثیری متفاوت بر یکدیگر و همچنین بر توانمندسازی زنان داشته‌اند. یکی از نکات مورد اهمیت تأکید پژوهشها پیشین و همچنین گروههای کانونی بر متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی است که از میان آنها می‌توان به نظریه پایگاه اقتصادی مایوکس اشاره کرد. همچنین اشاره به پژوهشهای کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) و یاسمی و همکاران (۱۴۰۲)، که طبق یافته‌های آنها زنان با ارتقای وضعیت اقتصادی و عملکرد مالی خود، قدرت تصمیم سازی و ساماندهی و کنترل بر منابع را کسب می‌کنند. توانمندسازی اقتصادی به منزله فرایندی چند بعدی تعریف شده که با توانایی کنترل بر منابع، قدرت و گسترش تواناییهای فرد، در هم تنیده شده است، اما مسئله اساسی این است که

در پژوهش حاضر ما شاهد تأثیر متغیر مشارکت و آگاهی اجتماعی بر سایر متغیرها هستیم که بی ارتباط با نظریه بوردیو نبوده است. بوردیو اشاره به زمینه و ساختمان ذهنی دارد. سرمایه اجتماعی مجموع منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱). یک سری عاملهای فردی و گروهی وجود دارند که می توانند بر توانمندسازی در ابعاد گوناگون مؤثر واقع شوند. گروه اول ویژگیهای شخصیتی افراد و گروه دوم زمینه ها و ترکیبهای میان - گروهی افرادند که می توانند منجر به افزایش توانمندسازی شوند. در همین راستا پتانسیل توانمندسازی نه تنها از لحاظ منابع و تواناییهای شخصی مردم، بلکه از نظر قوانین و مقررات ساختار اجتماعی وجود دارد. ارتباط ساخته شده از سوی گیدنز میان ساختار اجتماعی و عاملان انسانی تبیین نظری این مورد را تقویت می کند که توانمندسازی اجتماعات و توانمندسازی فردی هم بخشی دارند (گیدنز، ۱۹۸۴: ۱۶)

گیدنز^۱ در نظریه ساختار و عاملیت معتقد است که «عوامل انسانی از طریق فعالیتهایشان شرایطی را به وجود می آورند که این فعالیتهای را امکان پذیر می سازند. انسانها ضمن ابراز وجود در نقش کنشگر، درگیر فعالیت می شوند و از طریق همین فعالیت است که هم آگاهی و هم ساختار ایجاد می شود» (ریترز، ۱۳۹۲، ۶۶۰). بر این اساس زنان، به ویژه زنان جوان تر، در جایگاه خود به نوعی با مبارزه با وضعیت موجود، ضمن مبارزه و سعی در تعریف مجدد وضعیت خود و تثبیت جایگاه نو برای خود می توانند به اهداف موجود دست یابند. مثلاً اشتغال زنان یا آموزش که در پی خود افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقای سطح آگاهی و کسب جایگاه مناسب را برای آنها به همراه خواهد آورد، ممکن است در محیط بیرون از خانواده دشواریهای ارزشی و هنجاری و حتی عملی خاص خودش را داشته باشد. فرهنگ جنسیتی، افزایش آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی به مثابه متغیرهایی که ایجاد آنها در فرد در گرو ساختار اجتماعی است می توانند در جهت افزایش توانمندسازی زنان مؤثر باشند. هرچند توانمندسازی ممکن است از نظر توانایی افراد در تأثیرگذاری برای تغییر دادن در نظر گرفته شود، اما توانایی فردی را که در فعالیت اختصاصی وی بروز یافته است نمی توان بدون ارتباط با ساختارهای موجود کنترلی درک کرد که آن فرد با رفتار تقویت و تفسیر کرده و تغییر داده است. از این رو فرایند توانمندسازی بستگی دارد به آنچه پیش از آن در جامعه وجود داشته است و موضوع فرهنگ جنسیتی و نگاه جامعه به زنان برای ایجاد تغییرات اجتماعی به نفع زنان به همدیگر وابسته اند. موفقیت این فرایند وابسته است به اینکه چه چیزی و به چه میزان تغییرات در سطح فردی، در سطح اجتماعات و در نظام اجتماعی به این فرایند مرتبط است. رسانه، ساختار خانواده و پایگاه اجتماعی - اقتصادی از جمله عرصه های فردی اجتماعی

1. Giddens

تأثیرگذارند که می‌شود در اینجا به آنها نیز اشاره کرد. روشن است که همه این عوامل با سطوحی متفاوت بر توانمندسازی اثرگذارند. چهار متغیر دیگر شامل ویژگی شخصیتی، مذهب، سرمایه فرهنگی و اجتماعی در ردیف آخر تأثیرگذاری بر متغیر توانمندسازی قرار گرفته‌اند. هر چهار متغیر بالا با تأثیرپذیری از متغیرهای پایین‌تر از خود بر توانمندسازی اثرگذارند.

- آستین فشان، ثریا؛ علی بیگی، امیرحسین؛ کرمی دهکردی، اسماعیل و غلامی، مصیب. (۱۳۹۶). واکاوی تأثیر آگاهیهای اجتماعی بر مقدار توانمندی زنان روستایی (بخش زنجانرود شهرستان زنجان). *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، ۸ (۴)، ۱۰۳-۱۲۴.
- ابوالفتح زاده، زهرا؛ یوسفی، زهرا و امینی، امیرمظفر. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان اصفهان. *پژوهشنامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷ (۱)، ۱-۲۷.
- ابوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۵). *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- احمدی، سیروس؛ صداقت، حمید و کرمی، فاطمه. (۱۴۰۰). خشونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر (مطالعه موردی: زنان شهر بوشهر). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹ (۴)، ۵۴۵-۵۷۲.
- اکبری ترکمانی، نسرين؛ قاسمی، وحید و آقابابایی، احسان. (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان با تأکید بر مؤلفه اشتغال. *مطالعات زنان*، ۱۶ (۳)، ۷-۳۶.
- باقری، معصومه و حسینی، محمدرضا. (۱۴۰۱). واکاوی کیفی توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱ (۲۱)، ۳۷-۵۲.
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد. (۱۳۷۴). *گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، جدول‌ها و گزیده‌ای از متن مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی*. انتشارات تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی.
- تاراسی، زهرا؛ کریم‌زاده، حسین و آقایی‌هی، محسن. (۱۳۹۸). بررسی عوامل و محرک‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زنجان). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۹ (۴۵)، ۲۳۸-۲۵۷.
- جلیلیان، سارا و سعدی، حشمت‌الله. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی بر توانمندی روان‌شناختی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب. *پژوهش‌های روستایی*، ۶ (۴)، ۷۴۵-۷۶۶.
- جهان‌بین، رضا؛ بابایی اقدم، فریدون و اصغری زمانی، اکبر. (۱۳۹۹). تحلیل و سنجش عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان در محلات فرودست شهری ایلام. *جغرافیای انسانی*، ۱ (۵۲)، ۳۰۱-۳۲۱.
- حبیبی، آرش و آفریدی، صنم. (۱۴۰۱). *تصمیم‌گیری چندشاخصه*. تهران: انتشارات نارون.
- حسن پور، اکبر؛ ابطحی، امیررضا؛ امیر پورلیندی، عبدالصمد و داداشی، مژگان. (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *رفاه اجتماعی*، ۲۱ (۸۰)، ۸۱-۱۱۵.
- حیدرزاد، علیرضا؛ ودیعه، ساسان و ترکمان، فرح. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی، سبک زندگی با امنیت شغلی کارکنان نیروی انتظامی شهر تهران. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱ (۴۶)، ۲۰۶-۲۳۱.
- خانی، فضیله؛ مطیعی، سید حسن و صیاد بیدهندی، لیلا. (۱۳۹۱). ارائه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده‌کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان). *توسعه روستایی*، ۴ (۱)، ۸۶-۱۰۸.
- ریتزر، جرج. (۱۳۹۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشن ناییبی. تهران: نشر نی.
- زارعیان، ساریه؛ بلبلان، لیدا؛ ستارزاده، داریوش و هاشم‌پور، پریسا. (۱۴۰۰). تبیین ارتباط درک کلیشه‌های جنسیتی و درک کیفیت فضایی در دانش‌آموزان دختر. *پژوهشنامه زنان*، ۱۲ (۲)، ۶۵-۱۰۴.
- زمانی مقدم، مسعود و افشانی، سید علیرضا. (۱۴۰۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۸۰، ۴۵-۸۰.
- صفاری، مرجان؛ حیدری، کلثوم و لطیفی فرد، مهدی. (۱۳۹۹). تأثیر مشارکت پایدار در گردشگری ماجراجویانه بر توانمندسازی زنان. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲ (۵)، ۱۳۴-۱۱۳.
- صیامی، قدیر و ستاری‌وند، ملیحه. (۱۴۰۰). تحلیل استراتژیک از راهبردهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی مطالعه موردی: محلات انصار و اروند در شهرک شهید رجایی مشهد. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹ (۳)، ۴۰۵-۴۲۷.

طباطبایی قدس، فاطمه؛ خادمیان، طلیمه و سپهر، محمدهامیون. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان با فرهنگ سیاسی دموکراتیک آنان در شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱۲ (۲)، ۱۳-۳۵.

ظفری نسب، مریم؛ گلزاری، زینب؛ نوریان، محمد و رضوی، حسن. (۱۴۰۱). فراترکیب عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی. *روستا و توسعه*، ۲۴ (۴)، ۴۷-۷۰.

عباس زاده، محمد و بوداقي، علی. (۱۳۹۹). مدل سازی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان متأهل استان آذربایجان شرقی با استفاده از نرم افزار Amos Graphics. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۸ (۲)، ۷-۴۲.

عربخانی، اسداله؛ سیدمیرزایی، سید محمد و کلدی، علیرضا. (۱۳۹۸). تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده بنیان. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۳ (۳)، ۸۹-۱۱۶.

فرهمنده، مهناز و رضوانی، زهره. (۱۳۹۸). نقش ساختار خانواده بر عملکرد آن در خانواده‌های تک همسری و چندهمسری. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰ (۷۵)، ۱۴۳-۱۵۴.

قاسمی، وحید؛ عرب خراسانی، سمیه و ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۹۹). تقاطع جنسیت و خانواده فهم مردانه از ازدواج و جدایی. *مطالعات زن و خانواده*، ۸ (۱)، ۱۱۳-۱۵۶.

کبیر، نایلا. (۲۰۱۰). تأملی در سنجش قدرتمندشدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها، ترجمه فاطمه صادقی، مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه (۱۳۸۹). تهران: نشر آگه.

کرمانی، مهدی؛ مظلوم خراسانی، محمد؛ بهروان، حسین و نوغانی دخت بهمنی، محسن. (۱۳۹۳). توانمندسازی مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای مطالعه موردی ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهرداری تهران. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۲ (۳)، ۱۰۸-۱۳۶.

کشاورزی، فهیمه و شمشیری، بابک. (۱۳۹۹). الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی. زن در توسعه و سیاست، ۱۸ (۳)، ۴۶۴-۴۸۴.

کیانی قلعه‌سرد، سروش و ارسلان‌بد، محمدرضا. (۱۳۹۳). توانمندسازی اقتصادی زنان با نگاهی به تجربه ژاپن. *همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی*.

لانگه، سارا. (۱۳۷۶). نقش زنان در توسعه. دفتر امور زنان، ریاست جمهوری، صندوق کودکان سازمان ملل متحد. تهران: انتشارات روشنفکران.

منظمی تبار، جواد. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی ناجا با سرآمدی سازمانی در مناطق مرزی. مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۹ (۳)، ۳۷۹-۴۰۶.

یاسمی، محسن؛ بهادری جهرمی، ثمین؛ خیری، حسن و دلشاد، عبدالحمید. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان شاغل سرپرست خانوار در حوزه جغرافیایی استان ایلام با رویکرد منطقه‌ای. *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۳ (۵۲)، ۱۶۹-۱۸۳.

- Agarwal, A., Shankar, R., & Tiwari, M. K. (2007). Modeling agility of supply chain. *Industrial Marketing Management*, 36(4), 443-457.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), 210-230.
- Hallaq, T. (2016). Evaluating online media literacy in higher education: Validity and reliability of the Digital Online Media Literacy Assessment (DOMLA). *Journal of Media Literacy Education*, 8(1), 62-84.
- Littrell, R. F. (2007). Influences on employee preferences for empowerment practices by the «ideal manager» in China. *International Journal of Intercultural Relations*, 31(1), 87-110.
- Malhotra, A., Schuler, S. R., & Boender, C. (2002, June). Measuring women's empowerment as a variable in international development. In *background paper prepared for the World Bank Workshop on*

- Poverty and Gender: New Perspectives* (Vol. 28, p. 58). Washington, DC: The World Bank.
- Mallak, L., Mallak, L. A., & Kurstedt, H. A. (1996). Understanding and using empowerment to change organizational culture. *Industrial Management*, 38, 8-10.
- Mayoux, L. (2006). Women's empowerment through sustainable microfinance: Rethinking "Best Practice". *Eldis Gender Guide*, 47-62.
- McLagan, P., & Nel, C. (1997). *The age of participation: New governance for the workplace and the world*. Berrett-Koehler Publishers.
- Sen, A. K. (1994). Well-being, capability and public policy. *Giornale degli economisti e annali di economia*, 333-347.
- Sen, A. (2005). Justice: Means versus freedoms. *Philosophy & Public Affairs*, 111-121.
- Sprietzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement and validation. *Academy of Management Journal*, 38(5), 1442-1465.
- Thomas, K. W., & Velthouse, B. A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An «interpretive» model of intrinsic task motivation. *Academy of Management Review*, 15(4), 666-681.
- World Bank. (2012). *World development report: Gender inequality and development*. Washington: World Bank.

Providing a Model for Women's Empowerment Using Interpretive Structural Modeling (ISM)

■ Z. Rezvani¹ ■ M. Niazi, Ph.D.^{2*} ■ M. O. Hosseinbor, Ph.D.³

Abstract

The present study aims to identify the factors influencing women's empowerment and to develop an appropriate model based on the Interpretive Structural Modeling (ISM) technique. Utilizing a mixed-methods (qualitative and quantitative) approach, data were gathered from various studies to identify key determinants of women's empowerment, including gender culture, socio-economic status, social awareness, social participation, cultural capital, social capital, media, family structure, religion, and personality traits. These factors were organized into a self-interaction matrix questionnaire and administered to 15 experts in the field of sociology. The results indicate that gender culture and socio-economic status are positioned at the top of the hierarchy of factors influencing women's empowerment. Gender culture, social participation, social awareness, and media were identified as key variables, while family structure, cultural capital, and socio-economic status were categorized within the «linkage» sector with varying degrees of influence. Given that gender culture and socio-economic status emerged as the primary drivers, the findings suggest that both at individual and social levels—particularly relevant institutions—should adopt strategies to enhance the ability to learn new patterns in cultural interactions to provide appropriate behavioral responses, while simultaneously strengthening individuals' socio-economic standing.

Keywords: Women's empowerment, interpretive structural modeling (ISM), factors affecting empowerment

Date received: Dec. 18, 2023

Date accepted: April 20, 2024

1. Doctoral Student in Sociology: Social Issues of Iran subfield, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran.
2. Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran, (Corresponding Author).
E-mail: niazim@kashanu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.